



مارپیچ فاجعه‌ی شبیلی

ترجمه: فهیمه خیل‌تاش

در سال ۱۹۷۶ هم زمان با نمایش فیلم مارپیچ، که تحلیلی بود از وقایعی که به کودتای ۱۹۷۳ شبیلی منتهی شد، منتقدین و صاحب نظران سینمای فرانسه مطالبی در باره‌ی این فیلم منتشر نمودند که از میان آنها سه مقاله‌ی "ژان لوک دودن" و "میشل پهرزرا" که در روزنامه‌های سینما توگرافی و نوول لیترر و ... چاپ شده انتخاب نمودیم.

به بهانه‌ی نمایش فیلم "مارپیچ" در فرهنگسرای نیاوران ترجمه این نظرات جهت آشنایی خوانندگان ارایه می شود.

له سینما توگرافی

ن ۱۹۷۶

مارپیچ - تهیه کنندگان: آرماندا تالار - ژاکلین میپل - والرئو مایو - کریس

کر

قتل آلوده در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ موضوع تهیه فیلم های بسیاری شد. سقوط مت جبهه خلق به وسیله تراست های آمریکائی و به واسطه CIA به نظر یک نوع تکراری و کسل کننده می آمد، لیکن فیلم مارپیچ خلاف چنین نظری را به ان رساند.

مشئ تهیه کنندگان این فیلم این است که در حد امکان وبه طور کامل نوعی ریه و تحلیل علمی از عواملی که منجر به انحلال جبهه خلق شد، بنمایند. لازمه این تجزیه و تحلیل اینستکه به مبدا رجوع شود و گذشته و موقعیت المللی بررسی گردد. می بایست به ابتدای قرن بازگشت، به استخراج لایه نیترات بوسیله تراست های انگلیسی، آمریکایی، عملیاتی که استادان علوم سی، سفسطه گرانه صحت آن را در دانشگاهها توضیح دادند. فولن Folon رک حاضر را در یک صفحه نمادین (سمبولیک) شطرنج تلفیق کرده و عینی می بد. سربازان شطرنج بنا بر قرار قبلی حرکت می کنند و با حرکت آنان طرح آهسته آهسته پیاده می شود، مهره ها با حرکات مارپیچ، فشرده تر می گردند، آنها دقیقاً بی پیش بینی های سیاستمداران و خواسته های سرمایه داران شده اند.

تصویر - عامل و پایه این آموزش سمعی و بصری - عمداً از هر نوع محتوای گزینده احساسات خالی شده است تا به فیلمی کاملاً مبتنی بر تحلیل سیاسی نگردد، موردی که بسیاری هنوز آن را انکار می کنند.

فرانسوا پریه، در آغاز فیلم به نمایندگی از طرف تهیه کنندگان ابراز می - بد که منظور از این فیلم نشان دادن تصاویری در مورد ظهور و سقوط دولت جبهه نیست، بلکه هدف به نمایش گذاردن این است که چطور؟ چرا؟ به دست چه؟ و برای چه کسی؟ این حکومت ساقط شد.

اگر جواب این چهار سوال در ذهن شما روشن نیست، فیلم مارپیچ را حتماً

تماشا کنید .

آرماند ماتلار	سیلویوتاندلر
ژاکلین میپل	پیرفلان
والری مایو	
باهمکاری	
کریس مارکر	

مارپیچ - چرخش خطرناک شیلی

به قدرت رسیدن ژنرال پینوشه در سپتامبر ۱۹۷۳، در شیلی، الهام دهنده فیلم‌های بسیاری شد. فیلم‌های مستند (سپتامبر شیلی - ضد منطق و با خشونت) فیلم تخیلی - مستند (در سانتیاگو باران می‌بارد) فیلم تخیلی - گزارشی (محاوره دو تبعیدی) فیلم‌های افشاء کننده (جنگ مومیائی‌ها، بودم، هستم، خواهم بود) فیلم‌های مربوط به گذشته (نبرد شیلی) با توجه به اینکه شیلی موضوع روز بود و توجه عموم به‌کاخ مونه‌دیا جلب شده بود...

همه‌ی فیلم‌هایی که در گذشته بازار نداشتند، گروه گروه به فروش رفتند و مورد استفاده قرار گرفتند. نتیجه‌ای که از این تحول می‌توانیم بگیریم کشف نوعی ارزشیما با دوربین‌هایی وابسته به تاریخ و برای شناخت یک ملت است و امروز فیلم مارپیچ پدیدار می‌شود، فیلمی با اتکا به سوابق و آینده کلاسیک، اثری آمیخته از بلند پروازی و موفقیت.

از ابتدای انتخابات آینده، در سپتامبر ۱۹۷۷، آرماند ماتلار، روش‌های جدیدی را در برابر افکار تهاجمی هدایت شده وسیله مخالفین راست گرا، در رادیو، تلویزیون و مطبوعات اتخاذ کرد. در سپتامبر ۱۹۷۳ او و همسرش به زندان منافقین افتادند و فقط توانست قسمتی از مستندات خود را که طی سه سال درباره "جبهه خلق" جمع آوری کرده بود، نجات دهد. این مستندات به نفع دولت شیلی بود. سیلویوتاندلر برزیلی، آنچه را که هنگام اقامتش در شیلی مشاهده کرده، شنیده و در ذهنش آنها را حک کرده بود بر روی نوارهای کاست و نگاتیوهای فیلم به

آن مدرک ارائه نمود (۱). دو سال بعد از قتل‌انده، دوسالی که به تجزیه و تحلیل این وقایع سپری قیلم مارپیچ با زمانی بیش از دوساعت که صرف تشریح اینکه چرا و چطور پینوشه ی به قدرت رسیدن خونت را به خدمت می‌گیرد، تهیه گردید. برای نشان دادن این جمله کیسینجر نمی‌فهمم چرا می‌بایست بی‌هیچ نشانی، تماشاگر سقوط‌شوری در دست کمونیست‌ها باشیم به دلیل عدم صلاحیت



۱- فیلم‌ها، اسناد و مدارک و عکس‌های زیادی، کوبایی‌ها، شیلیایی‌ها و بانیان در این باره جمع آوری کردند. والری مایو نشان دهنده فیلم‌های کریس و سپتامبر شیلی است. ژاکلین میپل در تهیه فیلم‌های ویلیام کلین یا نوند و همکاری کرد. کریس مارکر را سینماگر، نامدار و سلطان مونتاژ می‌شناسیم. کوبا - قدرت یک نغمه عمیق) و همچنین ژاک ترن که تهیه فیلم همه مدارک و فهرست‌ها و انتخاب اسناد و مدارک بعهد گرفته و مارپیچ

ملتش» در فیلم از هیچ تصویری استفاده نشده است، ولی صدا، نارسایی‌های صحنه را جبران می‌کند. به عکس این قسمت، کافی نیست که فقط گفته شود CIA در کودتای پینوشه دست داشته، می‌بایست آنرا اثبات نمود.

مارپیچ توانست صحنه‌هایی را به نمایش گذارد که دلایلی برای اثبات ماجراست.

با توجه به این تلفیق صوتی-تصویری دقیق و آموزشی، هیچگاه و هیچ فیلمی نتوانسته بود این چنین نقش عروسکی زنان را در گروه مخالف نشان دهد و اینکه چه سازش ملی یا بین‌المللی محرک آنان بود. و اینکه چگونه خرده بورژوازی طغیان زده برای منافع طبقاتی که حتی به خودش مربوط نمی‌شد، آلت دست و بسیج‌شد و امروز چقدر خود را پست و ذلیل می‌یابد. و چگونه نظامیان در حالیکه عدم وابستگی خود را به هیچ سیاستی ابراز می‌داشتند کودتا را به دموکراسی مذهبی ادوارد و فری مزین کردند.

بالاخره مارپیچ (۲) ما را به نظارت در بازی شطرنج سیاست دعوت می‌کند و به خوبی نشان می‌دهد که این بازی را پیناگون در سال ۱۹۶۵ به دانشجویان دانشگاه کمبریج پیشنهاد کرده است. کلیه دسته‌بندی‌های ممکن بین طبقات مختلف اجتماعی، یا قدرت‌های سیاسی یک کشور تخیلی (که چون دو قطره آب مشابه شیلی است) پیش‌بینی شده است.

باجابه جا کردن قطعات چوبی سمبلیک، که ژان میشل فولون آنها را تهیه کرده است، نویسندگان فیلم، قواعد این بازی خطرناک را که یاد آور پیش‌بینی‌ها و نفوذ آمریکائیان است، به ما می‌آموزند.

برای نخستین بار فیلمی از شیلی تهیه شده است که بر تحولات سیاسی آن کشور تکیه می‌کند. برای دادن توضیحات کافی و جهت نشر آگاهی‌ها برای برطرف کردن هرنوع شبهه‌ی کافیه‌ی بگوئیم که مارپیچ یک فیلم سوک آور و ناامیدکننده نیست. قصد نویسندگان این فیلم از تحلیل وقایع شیلی اینسین، که روزی این شکست به پیروزی بدل گردد.

۲- این نام را به این دلیل به این فیلم داده‌اند، زیرا که از انتخابات تا مرگ آلنده، وقایع به شکل یک خط مستقیم نبوده بلکه مارپیچ بوده است.

ج، آرماند ماتلار - ژاکلین میپل - والری ماژو

آنچه را که تهیه‌کنندگان مارپیچ مورد بهره برداری قرار دادند از سه ماخذ می‌شود: پاره‌ای از فیلم‌های بلند که در شیلی تهیه و مونتاژ اصلی آن‌ها دست شده است، اخبار مستندی که توسط گروه چپ جمع‌آوری شده (Noticiarios) و فیلم‌های تلویزیونی که وسیله خبرنگاران شیلیایی و آمریکائی تهیه شده است.

گروهی که کریس مارکر گردآورده بود، سعی کردند حرکت آهسته‌ی مقدمه‌ی را در حکومت سه ساله‌ی آلنده، نشان دهند. جنبشی که می‌بایست برآورنده ملت شیلی باشد.

در مورد اجرای اصلی گروه، بیش از فیلم‌هایی که تا بحال درباره این موضوع ایم دقت به کار رفته است، در این قسمت مکانیسم دستگاه‌های مرتجع که به داری شیلی جایگزین آن شده است و خصوصاً نقش CIA و شرکت‌های ملیتی در تشکیلات کائوس Chaos و همکاری عالمانه‌راست، با این گروه‌ها ملی حکومت جبهه خلق، به روشنی نشان می‌دهد. همچنین به حرکات بنیادی، آگاه کردن ملی، ایجاد شوراهای کارگری (رابطه‌ها)، فعالیت MIR، توجه گشته است.

تحلیلی که مارپیچ از وقایع شیلی عرضه می‌دارد، به یقین کاملترین و چشم‌بین محصولی است که تا بحال در مورد شیلی به صورت فیلم تهیه شده است. ظرافت کار، کریس مارکر به خوبی در این کار مشهود است، اگر چه این مورد طه‌گری کاملاً اروپایی، سیاست بازی و نوعی نازک بینی نظامی تهیه شده است هرکس بزعم خود می‌تواند آنرا نفی یا تایید کند.

از آنچه که نمی‌توان بی‌اعتنا گذشت، تیتراهای جالب و شکل‌های گرافیک و بی‌مانندی است که فولون FOLON به نمایش می‌گذارد. اما همه اینها مثل ش آثار دهنده انبوهی مگس در این فیلم ارائه شده‌اند.